



گروه اقتصاد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
محمود عبداللهی



تعاونیها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یکی از مسائل مهم روز و مورد ابتلاء و نیاز جامعه ما، تعاونیهاست که در باره آن نظریات مختلفی ابراز گشته است.

با توجه به اینکه تعاونی (اعم از تولید، توزیع و مصرف) نوعی شرکت است، لازم بنظر می رسد که ابتداء موضوع شرکت مورد بررسی قرار گیرد و پس از مشخص شدن خصوصیات و عناصر ثابت و متغیر آن و همچنین تعاونیها، به اظهار نظر و قضاوت در باره میزان مطلوبیت تعاونیها و نقشی که تعاونیها می توانند در پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه اسلامی داشته باشند، پرداخته شود.

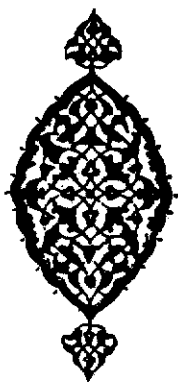
در باره آثار تعاونیها، دو نظر زیر مطرح است:

الف - تعاونیها از طرفی وسیله‌ای است برای جلوگیری از تمرکز ثروت و حاکم شدن سرمایه بر روابط و ضوابط اجتماعی و از طرف دیگر موجبی است برای ایجاد توازن اقتصادی در جامعه، زیرا افرادی که به تنهایی قادر به فعالیتهای اقتصادی نیستند، می‌توانند با پیوستن بهم و تجمع سرمایه‌های اندک در پرتو تعاونیها، به فعالیت اقتصادی پرداخته و در افزایش میزان تولید کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه، نقش مؤثری ایفاء نمایند و ضمناً، بخاطر کمبود و یا نداشتن امکانات، مجبور نگردند برای دیگران مزدوری کنند.

ب - گرچه رفع خلأها و تأمین نیاز عموم افراد جامعه و بوجود آمدن توازن امری لازم است، اما گسترش فعالیت تعاونیها سبب می‌شود که تدریجاً امکان فعالیت برای بخش خصوصی از بین رفته و آزادی انتخاب شغل، از افراد گرفته شود، زیرا افراد هرچند قوی باشند، قدرت رقابت با جمع بهم پیوسته شرکتهای تعاونی را - خصوصاً اگر از امتیازات و یژه‌ای برخوردار باشند - نخواهند داشت. و نتیجتاً باید به خاطر عدم توانایی برای رقابت به همان جمع پیوسته و در آنان هضم گردند بنابراین، با توجه به اینکه افراد نمی‌توانند در انتخاب نوع تولید و کار، آزادانه تصمیم بگیرند، تعاونیها وسیله‌ای است برای پیدایش دولت‌سالاری و مقدمه‌ای برای نابودی بخش خصوصی و نهایتاً افت انگیزه فعالیت بیشتر و از بین رفتن روح ابتکار و خلاقیت، که به کاهش سطح تولید منجر خواهد شد.

لازم بنظر می‌رسد بدون اینکه در رد یا قبول یکی از دو نظر فوق سخنی گفته و یا قضاوت کنیم که شرکتهای تعاونی حلال مشکلات و عاملی برای جلوگیری از تمرکز ثروت است و یا اینکه وسیله‌ای برای بوجود آمدن دولت‌سالاری و از کار انداختن فعالیت خصوصی می‌باشد، بعنوان مقدمه دو نکته را متذکر شویم:

۱ - کدام تعاونی؟ قبل از قضاوت، برای کسی که می‌خواهد اظهار نظر کند، باید مشخص باشد که منظور کدام تعاونیها است؟ تعاونیهایی که امتیازات دولت و بیت‌المال نسبت به آنها بی حد و حساب بوده و متحصراً امکانات، بطرف آنها سرازیر است بگونه‌ای که امکان فعالیت آزادانه از دیگران سلب



می‌شود؟ آیا تعاونیهایی که دولت نیز در آنها سرمایه‌گذاری می‌کند یا سرمایه فقط مربوط به خوداعضاء است؟ برای سهام‌وسرمایه افراد حد وحصری وجود دارد یا خیر؟ اعضاء ملزم به کار تمام وقت در تعاونی می‌باشند و یا چنین نیست؟ حق دخالت و رأی براساس مقدار سرمایه است و یا افراد از جهت حق دخالت و اظهار نظر مساوی هستند، هر چند از نظر سرمایه مختلف باشند و.....؟

چهارچوبه تعاونیها مشخص نبوده است

اصولاً چنانچه به سابقه و تاریخچه تعاونیها در مناطق گوناگون مراجعه کنیم، هیچگاه چهارچوبه غیر قابل‌تغییری برای تعاونیها پیدا نمی‌کنیم. البته عناصری را به عنوان ارکان تعاونیها ارائه داده‌اند، اما آنها در همه جا یکسان و هماهنگ نبوده است. حتی با گسترش تعاونیها خواسته‌اند چند اصل را به عنوان اصول ثابت مطرح کنند ولی عملاً چنین چیزی با چهارچوبه مشخص، تحقق پیدا نکرده است و انتظار تحقق چنین امری در نقاط مختلف، با داشتن مکتبهای اقتصادی متضاد، نمی‌رود.

نکته‌ای که مؤید این مطلب می‌باشد، این است که تعاونی‌ها، با گسترش خاص، هم در جوامع سرمایه‌داری مطرح بوده و هم مورد استقبال کشورهای سوسیالیستی قرار گرفته‌اند.^۱

روشن است که یک موضوع، چنانچه دارای چهارچوبی خاص و عناصر غیرقابل‌تغییر باشد، نمی‌تواند با دو فلسفه متضاد همراه گردد. هماهنگی تعاونیها با نظام‌های سرمایه‌داری و اشتراکی، نشانگر این است که علی‌رغم قدر مشترک تعاونی‌ها، یعنی تعاون و بهم‌پیوستن یک گروه و تکیه روی جمعی بودن فعالیت اقتصادی، دارای ارکان و عناصر مختلفی هستند که ممکن است با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری داشته باشد، عناصری که برای تعاونیها در نظام اشتراکی مورد توجه است، با فرمانروائی مطلقه دولت و مدیریت همه‌جانبه و متمرکز آن، تناسب دارد و اصولی که برای تعاون در نظام سرمایه‌داری مورد قبول است، طبیعتاً با



(۱) مارکس اعتقاد داشت که نهضت تعاون، یکی از نیروهای پیشرو در حال تحول جامعه است.

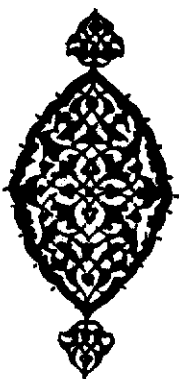
ضوابط این نظام، هماهنگ می باشد.

به عنوان مثال، در مورد عضویت آزاد یا اجباری، هرچند اشتراکی مسلکان، مدعی باشند که ورود در تعاونیها آزاد است، ولی عملاً طرفدار این آزادی نمی توانند باشند، زیرا امتیازات وامکانات را به حدی متوجه تعاونیها می کنند که برای وارد نشدن عموم در تعاونی، زمینه ای باقی نمی ماند. همچنین، در مورد حق دخالت اعضاء در امور تعاونی، براساس مقدار سهام، یا تساوی اعضاء در حق اظهار نظر نسبت به فعالیت تعاونی و بدون توجه به میزان سرمایه، از مسائلی است که طبعاً دو دیدگاه سرمایه داری و سوسیالیسم نمی توانند نسبت به آن، مشابه باشند.

باتوجه به اینکه در جامعه اسلامی لازم است همه مقررات اقتصادی وغیر اقتصادی منطبق با فقه و ضوابط اسلامی باشد و تعاونیها نیز از این قاعده مستثنی نیستند و قبل از قضاوت در مورد رد یا قبول آنها، باید با لحاظ انطباق تعاونی ها یا شرکت که در منابع فقهی مطرح گردیده، معلوم شود که ضوابط و عناصر شرکت کدام است؟ و آیا اگر مجموعه ای از ضوابط و اصول عام تر تعاونیها را مورد توجه قرار دهیم (مثل: هرنفر یک رأی، حق دخالت بر مبنای مقدار سهام یا میزان سرمایه، تقسیم سود براساس کار، عدم تقسیم سود و.....) با ضوابط شرکت، سازگاری خواهد داشت یا خیر؟

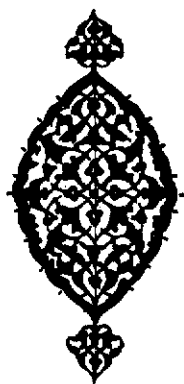
۲ - شرعی بودن، غیر از انتخاب اصلح است

در اسلام، یک سلسله قوانین ثابتی وجود دارد که براساس نیازهای انسان، پیش بینی شده است ولی برای شکل اجراء و پیاده شدن آن، قالب مشخص و غیر قابل تغییری وجود ندارد بلکه با لحاظ تحولاتی که در جوامع بوجود می آید، اجرای قانون شکلهای متفاوتی بخود می گیرد. مثلاً: جهاد در اسلام به عنوان یک قانون ثابت، پیش بینی شده است ولی پیاده کردن آن در یک زمان احتیاج به مهارت در تیراندازی و اسب سواری داشته و در زمان دیگر آشنایی با سلاحهای گرم ومدرن و ماشینهای عظیم جنگی و دیدن دوره های مربوطه برای بکارگیری آنها و کسب مهارتهای خاص، لازم می باشد.



در مسائل اقتصادی نیز چنین است. انسان باید با تلاش و پیگیری، نیازهای خود را با استفاده از منابع طبیعی تأمین نماید و تفوق و حاکمیت اقتصادی را نیز تحقق بخشد. ولی تغییر و تحول اوضاع اجتماعی، افزایش جمعیت، گسترش سرمایه‌گذارها در کارهای تولیدی و صنعتی، شکل فعالیت‌های اقتصادی انسان را برای رسیدن به اهداف مورد نظر عوض می‌کند لذا می‌بینیم با توجه به این تحولات، در نوع قراردادهای اقتصادی و مبادلات، مانند تجارت، شرکت و مضاربه نیز دگرگونی خاصی بوجود آمده است. آنچه لازم به تذکر می‌باشد این است که اگر چه هدف در سیستم اقتصادی اسلام، تأمین منافع و بوجود آوردن رفاه در مسیر تکامل برای همه می‌باشد، اما طبیعی است که با تغییر شرایط و در مقطعی متفاوت، برنامه ریزیها و سیاستهای مختلفی باید پیش‌بینی گردد. درست است که ما قراردادهای اقتصادی در شکل مضاربه، مزارعه، اجاره، شرکت و نظائر آنها داریم اما اینکه ما برای رسیدن به اهداف اقتصادی کدام نوع از این قراردادها را گسترش دهیم، باید شرایط مختلف و گوناگون جامعه را بررسی کرده و براساس همه آن شرایط، تصمیم بگیریم، زیرا همانطور که برای انتخاب نوع اسلحه مناسب جهت تأمین حاکمیت نظامی از فکر خود استفاده می‌کنیم، در انتخاب نوع فعالیت اقتصادی برای رسیدن به هدف (یعنی حاکمیت اقتصادی) نیز می‌بایست با توجه به مقطع زمانی که در آن زندگی می‌کنیم از فکر خود بهره بگیریم، مثلاً در این مورد تصمیم بگیریم که آیا مصلحت است مضاربه را گسترش دهیم یا برای وسعت تعاونها در قالب شرکت برنامه‌ریزی کنیم و یا اینکه افراد را به فعالیت خصوصی غیر گروهی، تشویق نمائیم. اینها غیر از اصل مشروعیت مضاربه و اشکال شرعی نداشتن قرارداد مضاربه است.

نسبت به مسئله خاص تعاونها نیز همین امر جاری است و جهت روشن شدن موضوع، مناسب است اشاره کنیم که اعضاء شرکت می‌توانند یک سلسله ضوابطی را که امروز در تعاونها متداول است و در قرارداد شرکت از نظر فقهی ذکر آن الزامی نیست، با استفاده از «شرایط ضمن عقد»، یکدیگر را بر آنها متعهد سازند. مانند اینکه با «شرط»، سهامداران را به کار تمام وقت یا پاره وقت



مجبور کنند. اما عدم اشکال این شروط و انطباق آن با موازین، غیر از این است که در هر وضعیت و موقعیتی، شرط کار اعضاء به نفع شرکت بوده، مصلحت اقتصادی داشته و حتماً با هدف، هماهنگ تر باشد. چنانچه اگر فرد یا گروهی برای مدت کوتاهی به منظور کارکردن در یکی از شهرها ساکن گردند، از نظر حقوقی هم می‌توانند مسکن مورد نیاز خود را اجاره کنند و هم می‌توانند آنرا خریداری نموده و پس از رفع نیاز به فروش رسانند. هر دو عمل، مطابق ضوابط شرعی می‌باشد ولی روشن است که بدون اشکال بودن این امر غیر از این است که کدامیک (اجاره یا خرید)، با لحاظ شرایط و موقعیت، به مصلحت آنهاست. در کلیه قراردادهای و از جمله شرکتها، قاعده «شرط ضمن عقد» می‌تواند شرکت را با شرایط مختلف، هماهنگ سازد. ولی اینکه مصلحت با کدامیک از این شرایط تأمین می‌شود و کدامیک را باید انتخاب کرد، مطلب دیگری است (بررسی بازتاب حرکت‌های اقتصادی، انگیزه‌ها، شرایط اقلیمی و..... دقت همه- جانبه می‌تواند ما را در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی صحیح و انتخاب اصلح، یاری نماید).

با توجه به مقدمه‌ای که گذشت، لازم است موضوع شرکت را مورد بحث قرار دهیم.

شرکت قراردادی

شرکت که در فقه از انواع مبادلات بشمار آمده و جنبه اقتصادی خاصی دارد، به عنوان «شرکت عقدی» مطرح است. تعریف شرکت عبارت است از «بستن قرارداد برای بکاراندازی سرمایه مشترک در فعالیتهای اقتصادی»^۱ روشن است که اطلاق شرکت، به اعتبار

(۱) «كما تطلق الشركة على المعنى المتقدم تطلق على معنى آخر وهو الواقع بين اثنين او اكثر على المعاملة بمال مشترك بينهم وتسمى الشركة العقدية» (تحریر الوسیله ج ۱ ص ۶۲۳).

گرچه برخی از فقها قراردادی بودن شرکت را مطرح نکرده و یا منکر هستند، اما در کتاب جواهر الکلام در این جهت نقل اجماع می‌شود و در تعاریفی هم که در برخی از کتب فقهی مانند قواعد و مسالک آمده، تصریح گردیده است که شرکت دونوع است «قراردادی» و «غیر قراردادی». البته فقها قبل



فعالتهای اقتصادی است که انجام می‌گیرد نه صرفاً تعهد ابتدائی. مثل اینکه چند نفر با پیوستن به هم و ضمیمه کردن مال خود سرمایه‌ای تشکیل داده و قرار می‌گذارند که با آن سرمایه مشترک، یک نوع فعالیت اقتصادی انجام دهند این عمل، «شرکت عقدی» نامیده می‌شود.

شرکت دارای دو رکن اساسی است: سرمایه و اعضاء که به توضیح آنها می‌پردازیم:

دنباله دارد

از شرکت قراردادی، شرکت دیگری را مطرح کرده‌اند که می‌توان از آن به عنوان «شرکت مطلق» یاد کرد و نسبت به شرکت قراردادی جنبه مقدمه دارد، این شرکت مطلق عبارت است از اینکه مالی بطور مشاع، متعلق به دونفر یا بیشتر باشد. تعبیری که مرحوم محقق در این زمینه در کتاب شرایع آورده چنین است:

«اجتماع حقوق الملاك فی الشئ الواحد علی سبیل الشیاع» یعنی اجتماع حق چند نفر مالک در یک چیز بطور مشاع.

این مشارکت خود دارای اقسام زیر است: ۱- شرکت در عین ۲- شرکت در منفعت (مانند دونفر خانه‌ای را اجاره می‌کنند و در بهره‌مندی آن شریک می‌شوند) ۳- شرکت در حق (دونفر یا بیشتر به کارهای مقدماتی عمران زمین می‌پردازند و بر زمین مشترکاً حق پیدا می‌کنند.) عوامل و اسبابی که این نوع شرکت را بوجود می‌آورد، به دو دسته تقسیم می‌شوند: سبب اختیاری و عامل غیر اختیاری.

۱- سبب و عامل اختیاری، مانند:

الف - معامله مشترک: دونفر یا بیشتر پولی را روی هم گذارده و یک خانه و یا ماشینی خریداری می‌کنند، این معامله مشترک، سبب شرکت آنان در منزل و یا ماشین می‌گردد.

ب - کار مشترک: دونفر یا هم به صید ماهی می‌پردازند و تور ماهیگیری را به آب انداخته و به اتفاق هم، ماهی صید می‌کنند. در نتیجه ماهیهای صید شده بطور مشاع تعلق به هر دو نفر خواهد داشت.

ج - خلط و امتزاج: دو نفر یا بیشتر، کالای خود را به یکدیگر مخلوط می‌کنند، بگونه‌ای که عرفاً بصورت یک چیز درآمده و از یکدیگر مشخص نمی‌باشده آمیختن دو کالا سبب می‌شود که مال، مشترک شده و آن کالا به ملکیت هر دونفر درآید.

۲- سبب و عامل غیر اختیاری، مانند ارث، پدری فوت می‌شود ورثه او نسبت به اموالش مالکیت مشترک پیدا می‌کنند. در حالی که هیچگونه انتخاب و اختیاری در این اشتراک نداشته‌اند. (جوهر ج ۲۶ ص ۲۹۰ - تحریر الوسیله ج ۱ ص ۶۲۲ - مستمسک ج ۱۳ ص ۲۲۳).

